فرهنگ قرآنى

مطالب اين بخش حاوى پاسخ به دو پرسش قرآنى است كه از ستاد نشر رسانه‏اى مركز فرهنگ و معارف قرآن اخذ شده است.

چرا لذت جويى و بى بند و بارى باعث محروم شدن از نعمت‏هاى آخرت مى‏شود؟

براى پى بردن به اين كه چه نوع لذت جويى باعث محروم شدن از نعمت‏هاى اخروى مى‏شود، چند نكته ذكر مى‏شود:

1. لذت جويى و بهره بردن از نعمت‏هاى دنيوى، تا آن جا كه منجر به سرپيچى از دستورهاى خداوند متعال نشود و حدود و حريم شرعى استفاده از نعمت‏هاى مشروع دنيا، رعايت شود، نه تنها باعث محروميت از نعمت‏هاى اخروى نمى‏شود، بلكه استفاده از آن‏ها، مقدمه رسيدن و بهره‏مند شدن از نعمت‏هاى اخروى مى‏گردد. پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) مى‏فرمايد: «دنيا مزرعه آخرت است».1 و مؤمن حقيقى كسى است كه از دنيا و نعمت‏ها و لذت‏هاى مشروع آن، در راستاى آباد كردن آخرت و جلب خشنودى خدا، بهره مى‏برد و دنيا را وسيله مى‏داند، نه هدف ؛ زيرا انسان براى ماندن و لذت‏جويى به دنيا نيامده و اگر وقت و سرمايه خود را صرف لذت جويى كند، از هدف اصلى باز مى‏ماند و در قيامت به او گفته مى‏شود: «... از طيبات و لذائذ در زندگى دنياى خود استفاده كرديد و از آن بهره گرفتيد، پس امروز به سزاى آن كه در زمين به ناحق سركشى مى‏نموديد و به سبب آن كه نافرمانى مى‏كرديد، به عذاب خفّت بار، كيفر مى‏يابيد.»2

2. خداوند متعال، نعمت‏هاى اخروى در بهشت را مخصوص كسانى قرار داده كه به دستورها و فرمان‏هاى او عمل كرده‏اند و در واقع، نعمت‏هاى اخروى اجر و پاداش مؤمنان و پرهيزگاران مى‏باشد.3

3- بى بند و بارى و شهوت پرستى، آفت راه، و رهزنى است كه چه بسا انسان را به طور كلى از هستى انسانى ساقط و از راه و كمال و صراط مستقيم باز مى‏دارد. خداوند متعال مى‏فرمايد: «خدا مى‏خواهد شما را ببخشد (و از آلودگى پاك نمايد)، ولى آن‏ها كه پيرو شهواتند، مى‏خواهند شما به كلى منحرف شويد.»4

حضرت على (عليه‏السلام) مى‏فرمايد: «شهوت‏ها (و بى بند و بارى‏ها) زهرهاى كشنده است».5 پيروى از هواهاى نفسانى و گرفتارى در دام شيطان و تن به بى‏بند و بارى دادن، دين و عقل انسان را فاسد مى‏كند. آن حضرت در جايى ديگر مى‏فرمايد: «كسى كه مشتاق بهشت باشد، بايد شهوت پرستى را فراموش كند.»6

4- ميان عقل و نفس، فطرت و غريزه، هواهاى نفسانى و روح الهى و ملكات روحانى انسان و... درگيرى، تزاحم و كشمكش وجود دارد و انسان بايد تلاش كند كه با غلبه بر هواهاى نفسانى، به سمت عقل، روح الهى و فطرت خويش رو كند.

لذت جويى و بى‏بند و بارى، در راستاى تقويت هواهاى نفسانى و تضعيف بعد انسانى و روحانى انسان است، و در واقع، هر اندازه نفس اماره و سركش را تقويت كنيم، در حقيقت، هستى انسانى خود را بيشتر به خطر انداخته‏ايم و به قول مولوى:

نفس اژدرهاست او كى مرده است

از غم بى آلتى افسرده است‏

لذت جويى و بى بند و بارى و تبعيت از نفس اماره و هواهاى نفسانى، انرژى و غذا براى نفس سركش فراهم مى‏كند و وقتى چنين شد، انسان را از هدف اصلى - كه كمال و تقرب به درگاه خداوند متعال است - باز مى‏دارد و بدين ترتيب، لذت جويى و بى‏بند و بارى باعث محروم شدن از بهشت، خشنودى و رضاى خداوند ونعمت‏هاى آخرت مى‏شود.7

فلسفه حجاب چيست؟ اين كه مى‏گويند: زن موجود جذابى است و بايد با پوشش، خود و ديگران را به گناه نيندازد، آيا توهين به اين قشر نيست كه به آنان، با ديد موجود جنسى برخورد شود؟

عفت و پاكدامنى، با آفرينش و فطرت زن به هم آميخته است، و در آفرينش او، جايگاهى والا و عظيم دارد كه هم خود زنان خواهان عفت و پاكدامنى هستند و هم ديگران، زن را با اين ويژگى مى‏خواهند. اسلام نيز آفرينش زن و صلاح و خير جامعه را در نظر گرفته، و حجاب را لازم شمرده تا عفت برونى زن، با عفت درونى او هماهنگ و بنيان خانواده مستحكم گردد و زن همچون كالاى ناچيزى در معرض همگان قرار نگيرد.

قرآن مسأله حجاب را در چند آيه، يادآورى و در بعضى از آن‏ها، به حكمت و فلسفه آن هم اشاره كرده است كه برخى از آن‏ها عبارتند از:

1. پاكى دل‏هاى مردان و زنان و آلوده نشدن آن‏ها:

در مكتب قرآن، علاوه بر بهداشت جسمى (كه در دنيا مطرح است)، يك نوع بهداشت روحى و روانى هم وجود دارد كه چنان چه مراعات نشود، روح مسموم مى‏شود، و آثار خطرناكى را در پى دارد كه از مسموميت جسمى، به مراتب خطرناك‏تر است. در برخى آيات، به رعايت اين نوع از بهداشت توصيه شده است.

قرآن در آيه 53 سوره احزاب، در مورد روبه‏رو شدن و صحبت كردن با زنان پيامبر، مى‏فرمايد: «... وَ إذا سَأَلتُمُوهنَّ متعاً فَسْئلُوهُنَّ مِن وَراءِ حِجابٍ ذلكُم أطهرُ لِقلوبِكُم وَ قُلوبِهِنَّ...»؛ و هنگامى كه چيزى (از وسايل زندگى را به عنوان عاريت) از آنان (همسران پيامبر) مى‏خواهيد، از پشت پرده بخواهيد. اين كار، براى پاكى دل‏هاى شما و آنان بهتر است.

2. در امان ماندن از آزارهاى افراد سبكسر:

خداوند در آيه 59 سوره احزاب مى‏فرمايد: «يا أيّها النَّبى قُل لازواجكَ و بَناتِكَ و نِساءِ المُؤمنين يُدنينَ عَلَيهِنَّ مِن جَلابيبِهنّ ذلك أدنى‏ أن يُعرفنَ فلا يُؤذين وَ كانَ اللّه غَفوراً رَحيماً»؛ اى پيامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسرى‏هاى بلند خود را بر خويش فرو افكنند (طورى كه زير گلو و سينه‏هايشان پيدا نباشد). اين كار براى اين كه شناخته نشوند و مورد اذيت (اهل فسق و فجور) قرار نگيرند، بهتر است، (و اگر تا كنون خطا و كوتاهى از آن‏ها سر زده توبه كنند،) خداوند همواره آمرزنده و رحيم است.

3. به طمع نيفتادن افراد سبكسر و بيمار دل:

در آيه 32 سوره احزاب، خطاب به زنان پيامبر - كه در واقع خطاب به همه زن‏هاست - آمده است: «... به شكل هوس‏انگيز سخن نگوييدكه بيماردلان در شما طمع كنند، و سخن شايسته بگوييد». و در آيه 30 و 31 سوره نور خطاب به پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) مى‏فرمايد: «قُل لِّلمؤمنينَ يَغُضّوا مِن أَبصرِهِم وَ يَحفَظوا فُرُوجَهُم ذلِك أزكى‏ لَهُمْ...»؛ به مؤمنان بگو: چشم‏هاى خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گيرند، و عفت خود را حفظ كنند. اين، براى آنان پاكيزه‏تر است... و به زنان با ايمان بگو: چشم‏هاى خود را (از نگاه هوس‏آلود) فرو گيرند، و دامان خويش را حفظ كنند و زينت خود را جز آن مقدار كه نمايان است، آشكار نكنند، و (اطراف) روسرى‏هاى خود را بر سينه افكنند (تا گردن و سينه با آن پوشانده شود) و زينت خود را آشكار نسازند؛ مگر براى شوهرانشان، يا پدرانشان، يا پدر شوهرانشان، يا پسرانشان، يا پسران همسرانشان، يا برادرانشان، يا پسران برادرانشان، يا پسران خواهرانشان يا زنان هم كيششان، يا برده‏گانشان (كنيزانشان)، يا افراد سفيه كه تمايلى به زن ندارند، يا كودكانى كه از امور جنسى مربوط به زنان آگاه نيستند، و هنگام راه رفتن، پاهاى خود را به زمين نزنند تا زينت پنهانى‏شان دانسته نشود (و صداى خلخال كه بر پا دارند، به گوش نرسد). اى مؤمنان! همگى به سوى خدا باز گرديد تا رستگار شويد!

علاوه بر آن چه بيان شد، حجاب، حكمت‏هاى ديگرى نيز دارد كه از آيات و روايات استفاده مى‏شود، كه عبارتند از: استوارى اجتماع و استحكام پيوند خانوادگى، جلوگيرى از چشم چرانى‏ها، حفظ ارزش‏ها، احترام به زن، هر اندازه زن متين‏تر و باوقارتر و عفيف‏تر حركت كند و خود را در معرض نمايش مرد نامحرم نگذارد، به احترامش افزوده مى‏شود.8

بديهى است، زيبايى اختصاص به زنان ندارد و با توجه به نوع خلقت زن و مرد، هر يك براى ديگرى زيبا و جذاب جلوه مى‏نمايند. آن چه اهمّيت دارد، اين است كه از هر زيبايى، در مسير مشروع خود بايد استفاده كرد. زن، نيز زيباست، اما آيا لازمه زيبايى و جذاب بودن، گناه است؟! و آيا لازمه زيبايى آن است كه صرفاً با ديد جنسى به او نگريسته شود؟ شايسته است از همه خوبى‏هاى او و از طريق مشروع، با حفظ همه حريم‏ها، در مسير كمال خواهى استفاده كرد؛ همان گونه كه زن‏ها نسبت به همسران خود اين چنين‏اند، و هر دو در مسير كمال، مكمل يكديگرند. خداوند در آيه 187 سوره بقره مى‏فرمايد: «هُنّ لِباسٌ لَكم و أنتم لِباسٌ لَهنّ»؛ آن‏ها لباس شما هستند، و شما لباس آن‏ها؛ هر دو زينت هم و سبب حفظ يكديگريد.

دعوت به پوشش، نه تنها توهين نيست، بلكه احترام است. اتفاقاً از ديدگاه قرآن (همان طور كه قبلاً اشاره شد) حجاب، احترام گذاردن و حرمت قائل شدن براى زن است كه نامحرمان، او را با نگاه حيوانى و جنسى ننگرند.

در اسلام، عصمت و عفت زن «حق الله» است. يعنى حتى اگر خود زن يا شوهر به بى‏عفتى و بى‏حجابى زن رضايت بدهند، اين كار مجاز شمرده نمى‏شود؛ زيرا زن، ناموس خداست. فرق كشورهاى غربى با كشورهاى اسلامى در اين است كه در غرب، چنان چه زنى بى‏عفتى كرد، اگر خود او يا پدر و مادر و شوهر او رضايت دادند، مشكل حل مى‏شود، اما در اسلام، با رضايت، كار تمام نمى‏شود؛ بلكه حكم خدا بايد جارى شود. اين نشانگر آن است كه عفت زن از آنِ خداست و بايد محفوظ بماند.

آن چه گفته شد، حاكى از عظمت زن است كه خداوند مى‏خواهد حرمت او حفظ شود، و مردان نبايد فقط با ديد جنسى و شهوانى به زن نگاه كنند.9

پى‏نوشت‏ها:

1- ابن جمهور احسائى، عوالى الئالى، ج 1، ص 267.

2- احقاف، 20.

3- بقره، 25 ؛ ر.ك: تفسير نمونه، آيت‏الله مكارم شيرازى و ديگران، ج 1، ص 144-139.

4- نساء، 27.

5- غرر الحكم، ص 304.

6- الكافى، ج 2، ص 131.

7- ر.ك: آيت‏الله مكارم شيرازى و ديگران، اخلاق در قرآن، ج 2، ص 306-277.

8- جهت آگاهى بيشتر ر.ك: مرتضى مطهرى، مسأله حجاب، انتشارات صدرا و على محمدى، فلسفه حجاب، انتشارات ارم.

9- ر.ك: آيت الله جوادى آملى، زن در آئينه جلال و جمال، ص 427-426.